در نشست مجمع جهانی بیداری اسلامی در بغداد تشریح شد

ویژگی‌های جنگ هوشمند استکبار علیه جهان اسلام

مسؤول فرهنگی دبیرخانه مجمع جهانی بیداری اسلامی در نشستی که در بغداد برگزار شد به ویژگی‌های جنگ هوشمند استکبار علیه جهان اسلام و راهبردهای مقابله با آن پرداخت. به گزارش تسنیم، نهمین نشست شورایعالی مجمع جهانی بیداری اسلامی در بغداد از روز شنبه اول آبان‌ماه آغاز به کار کرده است. علمای اسلامی از ۲۲ کشور جهان در اجلاس بغداد شرکت می‌کنند که اکثریت آنها از اهل سنت هستند و بقیه از شیعیان و فرق دیگر کشورهای اسلامی هستند. حمیدرضا مقدم‌فر، مسؤول فرهنگی دبیرخانه مجمع جهانی بیداری اسلامی در این نشست به سخنرانی پرداخت که مشروح آن از نظر خوانندگان می‌گذرد.

«فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان ۵۲)

حضار محترم

سلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

مایلم در جمع گرامی شما به پیشقراولان نهضت بیداری اسلامی و شهدایی که با خون پاکشان این نهال را آبیاری کرده‌اند و همچنین علما و اندیشمندانی که با قلم و بیان خود، شعله‌های این حرکت حیاتبخش امت اسلامی را فروزان نگاه داشته‌اند درود و سلام بفرستم و در برابر اخلاص آنان در این مجاهدت عظیم سر تعظیم فرود آورم.

■ جهان اسلام درگیر جنگی تمام عیار با نظام سلطه شده است

حقیقت آن است که امروز جهان اسلام درگیر یک جنگ تمام‌عیار با نظام سلطه جهانی به رهبری آمریکا و شبکه اهریمنی صهیونیسم بین‌الملل است. این جنگ، جنگی هوشمند است که دشمن در آن از هر ۳ شیوه سخت، نیمه‌سخت و نرم بهره می‌گیرد اما در عین حال بیشترین تمرکز و اصلی‌ترین سرمایه‌گذاری را در جنگ نرم دارد. جنگی نامحسوس با آثاری مخرب‌تر و ویرانگرتر از جنگ‌های نظامی با هزینه‌های کمتر و تأثیر بیشتر و طولانی‌مدت‌تر. استعمار فرانو با این روش اراده خود را به طور غیرمستقیم بر ملت‌های مسلمان تحمیل می‌کند و همانگونه که جنگ‌های مستقیم را با حضور پنهانی خود به جنگ‌های نیابتی مبدل کرده است، در جنگ‌های ادراکی نیز از طریق نفوذ نرم‌افزاری در قلب‌ها و اذهان مردم و تأثیرگذاری هدفمند بر هویت، ارزش‌ها و باورها و از همه مهم‌تر تأثیر بر ادراکات آنان به منظور اقناع و همراه‌سازی، تغییر محاسبات و ترجیحات و جلب رضایت‌شان برای پذیرش رهبری خود اقدام می‌کند.

■ دیپلماسی رسانه‌ای، ابزار جنگ نرم نظام سلطه

در این جنگ دشمن قبل از آنکه سینه‌های جوانان غیور امت اسلام را آماج تیرهای زهرآگین خود قرار دهد، مغزها، باورها، اعتقادات و هویت اسلامی و انسانی آنها را مورد هجمه قرار داده است. بدین لحاظ صحنه اصلی درگیری در این جنگ در عرصه ادراکی و شناختی تعریف می‌شود. دشمن بخوبی دریافته است سرمایه‌های شناختی امت اسلام بزرگ‌ترین سد راه او در دستیابی به مطامع و منافع بیشماری است که در سرزمین‌های اسلامی به دنبال آنهاست، لذا انهدام سرمایه‌های شناختی جوامع اسلامی را هدف قرار داده تا با تهی‌سازی جوامع اسلامی از سرمایه‌های شناختی، زمینه‌های تحمیل فرهنگ و ارزش‌های غربی را در این جوامع فراهم آورد. امروز نهضت بیداری اسلامی و جهان اسلام به موازات توجه به جنگ‌های نیابتی نظام سلطه و صهیونیست‌ها نباید از جنگ‌های نرم دشمن که با ابزارهایی مانند دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسانه‌ای که با سرمایه‌گذاری‌های کلان در مقولات فرهنگ و هنر انجام می‌شود، غفلت کند و برای مقابله با آن باید چاره‌اندیشی کند. شعار «الله‌اکبر» به عنوان نماد برجسته سرمایه‌های شناختی جهان اسلام هنگامی که از عمق جان مردم در قیام‌های مردمی نهضت بیداری اسلامی فریاد زده شد بخوبی نشان داد هرگاه امت اسلام با تکیه بر دارایی‌های ارزشی و سرمایه‌های شناختی خود در میدان نبرد حاضر شود چه خطرات سهمگینی برای اربابان زرسالار و زورگو به وجود خواهد آورد که یک نشانه کوچک آن به زیر کشاندن دیکتاتورهای دست‌نشانده غرب در سرزمین‌های اسلامی بود. بی‌شک پروژه اسلام‌هراسی و تشدید آن در دنیای غرب مرهم زخمی بوده است که استکبار جهانی از خیزش‌های مسلمانان غیور در نهضت بیداری اسلامی برداشته است. پروژه‌ای که به عنوان یکی از عملیات‌های مهم نظام سلطه در جنگ شناختی با محوریت رسانه‌های تحت سلطه صهیونیسم بین‌الملل و با میدان‌داری گروهک‌های تکفیری دست‌پرورده امپریالیسم جهانی به منظور مشوه‌ساختن چهره نورانی اسلام در افکار عمومی دنیا و ممانعت از گسترش موج اسلامگرایی در جهان غرب طراحی و به اجرا گذاشته شده است.

■ ۲ راهبرد استکبار جهانی برای نفوذ در جوامع اسلامی

به موازات اجرای این پروژه شوم، استکبار جهانی ۲ راهبرد اختلاف و نفوذ را در جوامع اسلامی تعقیب کرده و می‌کند. تشدید اختلافات مذهبی و دامن زدن به آنها برای تضعیف بنیه جهان اسلام و انحراف اذهان مسلمانان از مسائل اصلی امت اسلامی یکی از این راهبردهاست. راهبرد دیگر نفوذ عناصر مزدور برای القائات شوم و تغییر دستگاه محاسباتی مردم و رهبران کشورهای اسلامی و شکستن مقاومت آنان برابر نظام سلطه جهانی است. عناصر نفوذی مأموریت دارند استقلال و هویت جوامع اسلامی را مورد هجوم قرار داده، زمینه‌های وابستگی هر چه بیشتر جهان اسلام به نظام سلطه را فراهم آورند و هژمونی غرب را در کشورهای اسلامی بسط و توسعه دهند.

■ راهبردهای جهان اسلام برای مقابله با دشمن

در مقابل این دو راهبرد دشمن، جهان اسلام نیز باید ۲ راهبرد زیر را در دستور کار خود قرار دهد.

اول وحدت؛ آری! وحدت اسلامی که تحقق آن لرزه بر اندام استکبار جهانی خواهد افکند و خواب راحت را از چشمان آنان خواهد ربود. وحدت اسلامی هر جا ظهور و بروز یافته است دشمنان را سرافکنده کرده و مجد و عظمت را برای مسلمانان به ارمغان آورده است.

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال ۴۶)

■ تشیع انگلیسی و تسنن آمریکایی؛ ۲ لبه قیچی هدم اسلام

جهان اسلام باید به این پیام قرآنی دل بسپارد و دست‌های پلید دشمنان را در پشت‌پرده ایجاد اختلافات بشناسد و بداند اختلافات تحمیلی که تروریست‌های تکفیری تحت حمایت غرب به آن دامن می‌زنند هرگز جنبه مذهبی ندارد، بلکه این تشیع انگلیسی و تسنن آمریکایی هستند که مانند ۲ لبه قیچی برای هدم اسلام انقلابی هم‌افزا با یکدیگر عمل می‌کنند و درصدند صحنه درگیری را از رویارویی با نظام سلطه و رژیم غاصب صهیونیستی به درون جهان اسلام منتقل کنند. پادزهر اختلاف، وحدت است. وحدت حول برترین سرمایه‌های شناختی در جهان اسلام یعنی قرآن کریم و ارزش‌های اسلامی. دومین راهبرد جهان اسلام در تقابل با خطر نفوذ و خنثی‌سازی اقدامات مخرب نفوذی‌های دشمن، بصیرت است. مؤلفه مهم و کلیدی بصیرت، شناخت دشمن و شناخت روش‌های دشمنی دشمنان اسلام است. نور بصیرت، نفوذی‌ها را افشا و نقشه آنها را نقش بر آب می‌کند. بصیرت موجب ارتقای دشمن‌شناسی به دشمن‌ستیزی و پررنگ کردن مرزهای سیاسی و فرهنگی امت اسلام با دشمنان اسلام و مسلمانان است. بصیرت، سلاح برتر امت اسلام در جنگ شناختی است که به تعبیر قرآن از آن می‌توان به جهاد کبیر یاد کرد.

«فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»

بصیرت، شمشیر ۲ لبه مسلمان انقلابی در میدان جهاد کبیر است؛ از یک طرف مایه برانگیختن عزم و اراده مسلمان انقلابی برای عدم تبعیت از دشمن می‌شود و از سوی دیگر او را به عدم غفلت از سرمایه‌های شناختی خود هشدار می‌دهد. بصیرت، به مجاهد فی‌سبیل‌الله در جهاد کبیر، قدرت «نه» گفتن به بیگانه و دشمن را می‌دهد و انگیزه روی پای خود ایستادن را در او به جوشش در می‌آورد. بصیرت، به مجاهد فی‌سبیل‌الله در جهاد کبیر می‌آموزد تا قرآن به عنوان برنامه زندگی مؤمنانه و عزتمندانه هست چه نیازی به سرسپردن به برنامه، سبک و فرهنگ زندگی غربی؟ فرهنگی که در بطن خود زایشگر خشونت و ابتذال است.

■ پیامدهای بصیرت و وحدت برای جهان اسلام

تحقق وحدت و بصیرت به عنوان ۲ راهبرد کلان، ۲ پیامد ارزشمند برای جهان اسلام به ارمغان خواهد آورد: ۱- مقاومت و قدرت ایستادگی در برابر دشمن، ۲- پیشرفت و قدرت خلاقیت، پیشروندگی و اثرگذاری.

باید دانست هرگاه جهان اسلام به نظام سلطه جهانی آغوش گشوده از زهر کین آن در امان نمانده است و هر گاه دچار توقف و رکود شده، بیش از پیش در معرض آسیب‌های دشمن قرار گرفته است. بنابراین راه مشخص است؛ مقاومت و پیشرفت برای قدرتمندشدن جهان اسلام و نقش‌آفرینی مسلمانان و اسلام در هندسه جدید قدرت در جهان. این راهی است که باید مسلمانان با راهبری رهبران، علما و اندیشمندان آگاه و انقلابی جهان اسلام آن را بپیمایند.

مشعل نهضت بیداری اسلامی نه‌تنها خاموش شدنی نیست، بلکه قابل تکرار با ضریب تأثیرگذاری به مراتب بیشتر از قبل است. روشن نگاه داشتن این مشعل پر فروغ و حفظ این تجربه شیرین پیروزی که در سایه وحدت و بصیرت حاصل شده، امروز بر عهده علما و اندیشمندان بصیر جهان اسلام است که با هنرمندی و با درک این رسالت تاریخی باید پیامبرگونه برای انجام آن به‌پا خیزند و با استمراربخشی به این راه مقدس، شالوده تمدن نوین اسلامی را طراحی و علیه جاهلیت مدرن بعثتی دیگر را آغاز کنند. بعثتی که نویدبخش صبح روشنی است که با طلوع فجر انقلاب اسلامی و طنین‌افکندن پیام‌های آن در نهضت بیداری اسلامی آغاز شده است.

■ ■ ■

این بود برجام‌تان؟!

محمدمهدی تقوی: «جرج برنارد شاو» نویسنده برجسته ایرلندی می‌گوید: «اگر بعد از گاز زدن سیب متوجه شدید یک «کرم درسته» در آن است، جای نگرانی چندانی نیست. کرم را بیرون می‌آورید و بقیه سیب را می‌خورید. نگرانی واقعی هنگامی است که بعد از گاز زدن سیب، «نصف کرم» را در آن می‌بینید و معلوم می‌شود نصف دیگر کرم را بلعیده و به معده خود راه داده‌اید. اینجاست که باید نگران باشید و تا دیر نشده، عوارض بعدی را چاره کنید»! آقایان دکتر حسن روحانی و دکتر محمدجواد ظریف، در سفر اخیر نیویورک، صریحاً از دولت آمریکا انتقاد کردند که چرا در حالی که ما[ایران] همه تعهدات‌مان در برجام را عمل کردیم، شما نه‌تنها به آنچه روی کاغذ آورده‌اید، عمل نمی‌کنید که کارشکنی هم می‌کنید؟ جناب روحانی وقتی هم از سفر برگشتند مژده(!) دادند در جلسه وزرای خارجه ۱+۵ و ایران، آمریکایی‌ها پس از این انتقاد، قول(!) دادند به تعهداتی که «باید» عمل کنند، لطف کرده و عمل خواهند کرد. با گذشت یک ماه از سخنرانی انتقادی آقایان در سازمان ملل، حالا «جان کری» وزیر خارجه آمریکا، صراحتاً به قول واشنگتن- البته عکس آن چیزی که رئیس‌جمهور محترم وعده دادند(!)- عمل کرد و در گفت‌وگو با مجله «فارین افرز» مدعی شد آمریکا نه‌تنها به طور کامل به تعهداتش در برجام عمل کرده، بلکه عملکردش فراتر از آن هم بوده است و از سخنان مسؤولان ایرانی [بخوانید به بار آورندگان برجام] ابراز شگفتی کرد. خوب است باهم به سخنان آقای رئیس‌جمهور از همان ابتدای مذاکرات و توافق نخست، نگاهی بیفکنیم و وعده‌های آن جناب درباره لغو تحریم‌ها را مرور کنیم.

۱- رئیس‌جمهور محترم: «دستاوردهای قطعی این توافق اولیه، به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای ایران و حراست از دستاوردهای هسته‌ای فرزندان این مرز و بوم بوده است و در کنار آن با توقف روند تحریم‌های ظالمانه، بخشی از فشارهای غیرقانونی در تحریم‌های یکجانبه برداشته و فروپاشی سازمان تحریم آغاز شده است. در نتیجه این ابتکار ایران اسلامی و استقامت ملت بزرگ ایران، قدرت‌های بزرگ به این نتیجه رسیدند تحریم و فشار، راه به جایی نخواهد برد و همان‌گونه که ایران از آغاز اعلام کرده بود، برای کسب توافق، راهی جز احترام متقابل و مذاکره عزتمندانه وجود ندارد». (نامه محضر رهبر حکیم انقلاب، ۳ آذر ۹۲)

۲- آقای روحانی: «خداوند عزیز و عزت‌بخش را شاکرم که توفیق آن را نصیب کرد پایان موفقیت‌آمیز و عزتمندانه مذاکرات هسته‌ای را به حضور ملت سربلند ایران و رهبر معظم انقلاب اسلامی اعلام نمایم... این توفیق الهی... ایران اسلامی را در تثبیت حقوق هسته‌ای خود به پیروزی رساند و شرایط را برای رفع تحریم ظالمانه و حرکت پرشتاب کشور در مسیر توسعه و پیشرفت و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی فراهم نمود... این توافق بخوبی نشان داد ما می‌توانیم در عین حفظ عزت کشور و با رعایت خطوط قرمز نظام، با قدرت‌های جهانی وارد گفت‌وگو شویم و با برخورداری از اعتماد به نفس مبتنی بر حقانیت مواضع و توانمندی‌های دیپلماتیک، قدرت‌های جهانی را به پذیرش مواضع منطقی خود ناگزیر سازیم». (نامه محضر رهبر بزرگوار انقلاب، ۲۳ تیر ۹۴) [چقدر ناگزیر ساختیم!]

۳- روحانی: «آنها[غربی‌ها] در زمینه لغو تحریم‌ها ابتدا می‌گفتند باید ماه‌ها بگذرد و اعتماد کنیم، آنگاه تحریم‌ها را نه لغو، بلکه تعلیق می‌کنیم و بعد از سال‌ها اگر آژانس گزارش مثبت داد و اعتماد پیدا کردند قدم به قدم لغو می‌شود اما امروز به ملت شریف ایران اعلام می‌کنم طبق این توافق، در روز اجرای توافق، تمام تحریم‌ها، حتی تحریم‌های تسلیحاتی- موشکی هم به صورتی که در قطعنامه بوده، لغو خواهد شد. تمام تحریم‌های اقتصادی شامل مالی، بانکی، بیمه، حمل‌ونقل، پتروشیمی و فلزات گرانبها به طور کامل لغو خواهد شد نه تعلیق، و حتی تحریم تسلیحاتی هم کنار گذاشته می‌شود». (گفت‌وگو با مردم ایران در رسانه ملی، ۲۳ تیر ۹۴)

۴- رئیس‌جمهور محترم: «آذر ۹۲ گفتم ساختمان تحریم ترک خورده است و امروز در کنگره و سنا اذعان دارند ادامه تحریم امکانپذیر نیست و این بدان معناست راه و مسیری که ایران اسلامی در این دوره طی کرده، موفق بوده است. همانطور که ساختمان تحریم‌ها ترک خورده، پایه‌های هرگونه تلاش برای برگرداندن همان فضای امنیتی نیز فروریخته و دیگر نمی‌توانند آن فضا را برگردانند». (۴ مرداد ۹۴)

۵- حسن روحانی: «به روزی می‌رسیم که رسماً لغو همه تحریم‌ها اعلام می‌شود و همه مراحل قانونی را پشت سر گذرانده و اقداماتی که باید انجام دهیم را آغاز می‌کنیم و ان‌شاءالله ظرف حدود یک ماه اقدامات خود را انجام می‌دهیم و آژانس هم آن اقدامات را تایید می‌کند و عملاً لغو تحریم‌ها به اجرا درمی‌آید». (۱۱ مرداد ۹۴)[آن روز هنوز نرسیده البته با گذشت ۱۵ ماه از وعده!].

۶- رئیس‌جمهور محترم: «... تحریم‌های اقتصادی و مالی مربوط به هسته‌ای شورای امنیت، اتحادیه اروپایی و ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های گوناگون همچون نقل‌وانتقالات مالی، فعالیت‌های بانکی، سوئیفت، سرمایه‌گذاری، خدمات بیمه، اعتبارات صادراتی، نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، کشتیرانی، بنادر، تجارت طلا و سایر فلزات، خودرو و هواپیما برداشته شد[برای همین ملتمسانه می‌گویند بردارید چون برداشته شد!] و به این ترتیب زمینه لازم برای حضور توانمند ایران در اقتصاد جهانی، استفاده از فرصت‌های بازار صادراتی و دسترسی به بازار سرمایه بین‌المللی فراهم شد... اکنون با رفع تحریم‌های ظالمانه راه برای شکوفایی اقتصادی ایران از طریق اجرای جدی و مؤثر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باز شده است. دولت مصمم است با توجه کامل به رهنمودهای حضرتعالی، اجرای تعهدات طرف مقابل را با دقت و جدیت رصد کرده و با واقع‌بینی هوشمندانه و به دور از هرگونه خوشبینی افراطی، برابر هر خلف وعده، اقدام متناسب متقابل به‌عمل آورده[اقدام متناسب دولت تاکنون خواهش و تمنا بوده است(!) که البته با ادعای کری، آن هم نتیجه نداشته] و با برنامه‌ریزی دقیق و اصرار بر خواسته‌ها، منافع و نیازهای واقعی کشور، ابتکار عمل در روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پساتحریم را در اختیار گرفته و هرگونه تلاش دشمنان برای سوءاستفاده جهت نفوذ را ناکام گذارد». (نامه محضر رهبر معظم انقلاب، ۲۶ دی ۹۴)

۷- دکتر روحانی: «امروز... تومار تحریم در هم پیچیده شد... می‌دانم در طول سال‌های تحریم و فشار، بر شما چه گذشته است اما اکنون که زنجیرهای تحریم از پای اقتصاد ایران گسسته شده و عزت و استقلال کشور نمایان شده است، زمان ساختن و بالیدن است».(۲۷ دی ۹۴)

۸- رئیس دولت: «شاهد آن هستیم تمام تحریم‌های بانکی، بیمه، کشتیرانی، نفتی و... که در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران وضع شده بود، رفع شده‌اند. دستیابی به این توافق کاری بسیار بزرگ و نعمتی ارزنده است که شایسته قدردانی است و باید بدانیم که اگر شکر نعمت به جا نیاوریم، نعمت از دست ما خواهد رفت».(یک بهمن ۹۴)

۹- روحانی: «شکسته شدن و ترک برداشتن دیوار تحریم را ۲ سال پیش اعلام کردم و امروز این ساختمان تحریم و دیوار بی‌اعتمادی در برابر دیدگان جهانیان فروریخت». (۱۹ بهمن ۹۴)[البته در عمل بعد از گذشت ۹ ماه از این وعده شیرین، هنوز فرونریخته است!]

۱۰- رئیس‌جمهور محترم: «همه تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی که در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران بود، لغو شد... امروز تحریم‌ها حتی تحریم‌هایی که مربوط به موضوع هسته‌ای نبوده برداشته شده و این مساله نیز اعلام شده است... در برخی موارد آمریکایی‌ها ممکن است آن مقداری که باید تلاش می‌کردند، نکردند اما این بدان معنا نیست که بانک‌های ما فعال نیست».(۱۶ اسفند ۹۴)

۱۱- روحانی: «ما سال ۹۵ بهاری را آغاز می‌کنیم که در آن بانک‌ها و بیمه‌های ما تحریم نیستند و می‌توانیم با کشورهای مختلف تجارت داشته باشیم».(۲۶ اسفند ۹۴)

۱۲- رئیس‌جمهور محترم: «تحریم‌های بانکی، مالی، پولی، نفتی، پتروشیمی، بیمه، حمل و نقل و همه تحریم‌های هسته‌ای برداشته و شرایط برای فعالیت اقتصادی مردم ما آماده‌تر شد». (یک فروردین ۹۵)

۱۳- حسن روحانی: «امروز زنجیرهای تحریم را گسسته‌ایم و رابطه خوبی بین بانک‌های ایرانی و جهان برقرار است و گشایش‌ها یکی پس از دیگری انجام می‌شود». (۳۱ فروردین ۹۵)

رئیس‌جمهور محترم و وزیر امور خارجه ایشان که حالا تلویحاً و با زبان بی‌زبانی، خود هم منتقد برجام شده‌اند، پیش از این مقابل انتقادهای مستند کسانی که این شیوه مذاکره را در تضاد با منافع ملی می‌دانستند، پاسخ‌های کوبنده می‌دادند اما در نیویورک اذعان کردند آمریکا بدعهد است و حالا هم که وزیر خارجه خوش‌قلب(!) آمریکا صریحا آب پاکی را روی دست‌شان ریخت و باید دید در آینده چه می‌خواهند کنند؟ باز هم تحریم بانکی فرزندان غیور سپاه و ارتش را ادامه می‌دهند؟ باز هم قصد دارند حزب‌الله را تضعیف کنند؟ فردا اگر خدای نخواسته داعش وارد کشور شد، تدبیر(!) دارند؟ احتمالا آن وقت هم منتقدان و تحلیلگران بصیر را به افترا می‌گیرند که اینها نگذاشتند تحریم‌ها لغو شود! از این دولت هر چیز ممکن است، زیرا هر کاری را بلد نباشد فرافکنی را خوب بلد است.

آقایان!

کدامیک از انتقاداتی که می‌کردیم، غیرواقعی بود؟ کدام منتقد دلسوز، وطن‌دوست و خیرخواهی، انتقادش نابجا بود؟ منتقدان محترم، تقریباً تمام موارد ناهمخوان مذاکرات با منافع ملی را برای‌تان گفتند. آیا لااقل به یکی از آنها توجه کردید؟ خب! بیایید پاسخ کری را بدهید دیگر! آیا باز هم ای‌میل می‌زنید یا اگر بر ادعای ناحقش پای فشرد، سمتش خودکار پرت می‌کنید؟! آیا اصلاح‌طلبان با حرف‌های اخیر جان کری هنوز هم معتقدند «امروز[روز توافق کذایی برجام]، روز عزای اسرائیل و مخالفان داخلی توافق است»؟! آقایان مدعی بهترین دیپلمات دنیا بودن(!) آیا با وجود توقف غنی‌سازی صنعتی، کاهش سانتریفیوژها از ۲۰ هزار دستگاه فعال به ۵ هزار دستگاه تعطیل، توقف کامل فعالیت هسته‌ای در تأسیسات عظیم و غیرقابل نفوذ فردو، پر کردن قلب نیروگاه آب سنگین اراک با سیمان و بدتر از همه اینها هموار کردن مسیر جاسوسی قاتلان دانشمندان مظلوم ایران برای جاسوسی دوباره؛ آن هم بدون به دست آوردن اصلی‌ترین هدف توافق یعنی لغو تحریم‌ها، باز هم از برجام دفاع می‌کنند؟ گیریم همچنان با وجود مشاهده به شکست کشاندن برجام از سوی آمریکا، به بارآورندگان آن باز هم برجام را بهترین توافق ممکن بدانند، چه نتیجه‌ای برای کشور حاصل می‌شود؟ گیریم مجلس دهم که از نظر مشی سیاسی تفاوت چندانی با مجلس نهمی که ۲۰ دقیقه‌ای برجام را تصویب کرد و در هر دقیقه ۱۰۰۰ سانتریفیوژ را از کار انداخت، آن اشتباه بزرگ را با تصویب قانونی برای مقابله به مثل و توقف برجام، جبران کند، چه کسی پاسخگوی هزینه ده‌ها میلیارد دلاری ازسرگیری مجدد برنامه هسته‌ای است؟ حالا این را هم در نظر نگیریم، خون شهدای هسته‌ای و داغ خانواده‌های‌شان و افسردگی دانشمندان بومی را که آنها را با توقف دانش و تلاش‌شان، دلسرد کرده‌اید چگونه می‌توانید جبران کنید؟ محرومیت ۱۵ ساله از تحقیق و توسعه، توقف غنی‌سازی اورانیوم و تبدیل آن به موضوعی نمادین، دادن امتیازات نقد و فراوان در مقابل دریافت وعده‌های نسیه و قابل تحلیل که دیدیم سرانجام آمریکایی‌ها علنا گفتند باز هم امتیاز دهید و احمقانه از ما می‌خواهند رسماً اجازه دهیم داعش پلید و خونخوار به کشورمان وارد شود را چگونه توجیه می‌کنید؟به دولت محترم پیشنهاد می‌کنیم با توجه به ابراز نظر بی‌شرمانه جان کری که در چشم ما می‌نگرد و می‌گوید نه‌تنها تعهدات‌مان را عملی کردیم که حتی بیشتر از آن هم اقدام کرده‌ایم، با دعوت از منتقدان جوان، باتجربه، دلسوز و باسواد توافق برجام- که اینک درست بودن تقریبا همه انتقادات‌شان علنی شده است- راهکاری برای مقابله با این بی‌صفتی آمریکایی‌ها بیندیشد. این‌بار امثال تقی‌زاده‌های دهه ۱۳۹۰ هجری خورشیدی را کنار بگذارید و به حرف‌شان گوش نکنید؛ شاید رستگار شوید. هنوز هم وقت باقی است آقایان! تا دیرتر از این نشده چاره کنید.

بازخوانی ۲

مقایسه تطبیقی آرای فقهی و رفتار سیاسی آیت‌الله منتظری

تضاد با خویش

حسن رحیم‌پور ازغدی: در باب نوع رابطه حقوقی و ساختاری رهبری و ریاست جمهور، اختیارات رهبری در حوزه قوای سه‌گانه حکومتی، وضع خمس و وجوهات شرعی در عصر غیبت، انتخابات مجلس خبرگان، رابطه رهبری با صدا و سیما، نقش شورای نگهبان، مفهوم ولایت و نظارت فقیه، دایره و قلمرو حاکمیت فقیه، ارتباط سایر فقها با ولی فقیه، محتوای قانون اساسی و نوع مواجهه با جریانات غربزده، از ایشان مواضع و مضامینی صادر شده‌است که به کلی با استدلال‌های مفصل فقهی و نظری خود ایشان منافات دارد. در این مختصر ما خواهیم کوشید به برخی از نمونه‌های این تضاد میان نظر و عمل آقای منتظری اشاره کنیم و از خدای متعال عاجزانه می‌خواهیم که ایشان و همه ما را به راه خود بخواند و عاقبت ما را ختم به خیر کند. ان‌شاءالله.

۱- رابطه رهبری و رئیس‌جمهور، دخالت حکومتی یا نظارت تشریفاتی؟!

در هرم سیاسی حکومت اسلامی و رده‌بندی قوا و نوع سازمان حکومت، چه نسبتی میان رهبر و قوای سه‌گانه بویژه قوه مجریه برقرار است؟! جناب آقای منتظری که (در سخنرانی ماه رجب سال ۷۶) از رئیس‌جمهور می‌خواهد تا اعلام خودمختاری و استقلال از رهبری کند و به رهبر نیز توصیه می‌کند تا در امر ریاست‌جمهوری دخالت نکنند و حق اظهار نظر در باب وزرا و استانداران و... را ندارند، خود با بسیاری ادله عقلی و نقلی، در درس‌هایش اثبات کرده است که اساسا رئیس‌جمهور و سایر قوای حکومتی، صرفا بازوان و ایادی ولی فقیه بوده و براساس آیات و روایات، مسؤول اصلی و فرمانده حکومت، در درجه اول و فی‌الواقع، شخص ولی‌فقیه است و قوه مجریه و مقننه و قضائیه که از یکدیگر منفک بوده و حق دخالت در حوزه مسؤولیت یکدیگر را ندارند، هر سه تحت فرمان رهبر و در واقع کارگزاران و مشاوران ایشانند و چون حیطه حاکمیت و وظایف رهبری، بسیار فراگیر و وسیع است، وی جهت اداره کشور، میان قوای متعدد تقسیم کار می‌کند تا امور با سرعت و سهولت و کیفیت بالاتری انجام پذیرد پس هیچیک از قوا مستقل از رهبری، مشروعیت ندارند و همه فرمانبرند.

... بنابراین در دیدگاه فقهی مشارٌالیه، رئیس‌جمهور، نه تنها هیچ استقلالی از حیث مشروعیت و دایره اختیارات نسبت به رهبری ندارد بلکه فقط عامل و کارگزار ولی‌فقیه است. ایشان تصریح می‌کند: «فلیس و زان الحاکم الاسلامی و زان المَلِک فی الحکومه المشروطه الدارجه فی اعصارنا فی بعض البلاد کانکلترا مثلا، حیث انه لا یکون الا وجودا تشریفیا یتمتع من اعلی الامکانیات و اقلاها من دون ان یتحمل ایه مسؤولیه عملیه او نشاطیه نافعه و انما تتوجه المسؤولیات و التکالیف من اول الامر الی السلطات الثلاث و بالجمله، فالمسؤول و المکلف فی الحکومه الاسلامیه هو الامام و الحاکم و السلطات الثلاث ایادیه و اعضاده و یکون هو بمنزله راس المخروط مشرفا علی الجمیع اشرافا تاما». و این نکته دقیقا همان است که امروز بدان با ایشان احتجاج می‌توان کرد زیرا اذعان دارد که وزن و نقش ولی فقیه در جمهوری اسلامی، از نوع نقش تشریفاتی شاه در حکومت‌های مشروطه (از قبیل موقعیت ملکه انگلیس) نیست که صرفا وجود تشریفاتی و نمایشی و مثلا نماد وحدت ملی و... باشد و بهترین امکانات در اختیار او باشد بی‌آنکه مسؤولیت عملی و حق دخالت در حکومت متوجه او باشد و کار حکومت در واقع از همان ابتدا با قوای سه‌گانه کشور باشد. در حکومت اسلامی، مسؤول اصلی و واقعی نظام، رهبر و ولی‌فقیه است و قوه مجریه، رئیس‌جمهور، وزرا، استانداران، مجلس شورای اسلامی و دستگاه قضایی و همه و همه بازوان حکومتی و ایادی رهبر و به فرمان اویند و مقام رهبری به منزله راس مخروط حکومت، بر همه قوا اشراف کامل (اشرافا تاما) دارند. این نظریه آقای منتظری در ضرورت اشراف تام کجا و نظارت حاشیه‌ای و تشریفاتی مورد ادعای امروز ایشان کجا؟! وقتی ایشان استدلال فقهی کرده که مسؤولیت اصلی با رهبری است و دولت و مجلس و دادگستری، صرفا در حکم کارگزاران و بازوان ایشان بوده و در مشروعیت خود، منوط به تنفیذ و نظارت استصوابی و ولایت ولی‌فقیه هستند، چگونه می‌توان یکی از سران قوا را به خودمختاری و اعلام استقلال در برابر راس هرم حاکمیت فراخواند و رهبری را از دخالت و اعمال نظر و عمل در ترکیب و سیاست‌ها و روش این قوا منع کرد، حال آنکه مشروعیت هر ۳ دستگاه را مشروط به ولایت فقیه عادل واجدالشرایط می‌داند و طبق قانون اساسی نیز تعیین سیاست‌های نظام و نظارت بر حسن‌اجرای آن سیاست‌ها و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و حل معضلات غیرعادی نظام از طریق اختیارات ویژه رهبری، همه با شخص رهبری است و تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری و نیز عزل رئیس‌جمهور نیز جزو اختیارات قانونی ایشان است.

ادامه دارد